

نوید اسماعیلی، کارگردان:

سعی کردم به ذائقه مخاطب احترام بگذارم



انتخاب بازیگران را بر چه اساس انجام دادید؟

من برای کاراکتر امیری گیبر آقای رضا اخلاقی را عزیز بودم و بین بازیگرهای درجه یک و چهره که می‌توانستند بیش از دیالوگ، اکت و حس داشته باشند تنها گزینهای که به آن فکر می‌کردم رضا اخلاقی عزیز بود و به نظر من خانم صحر اسداللهی که حس قوی، چهره زیبا و بیان خوب را با هم دارد برای نقش یسنا گزین مناسب بود. بقیه بازیگران را نیز از بین هنر جوینان در مدرسه بازیگری ققنوس انتخاب کردم و با آنها حدود یک سال تک به تک روی شخصیت پردازی کار کردیم تا بتوانیم کاراکترها را خلق کنیم.

در زمینه اکران با چه چالشی مواجه بودید؟

این فیلم به خاطر مشکلی که یکی از بازیگران زن عزیزمان داشت یک سال توقیف شده بود و آقای تیموری مجری طرح «پاکول» تمام سعی و تلاششان را کردند که سانس‌ها حذف نشود و ما بتوانیم پرونده نمایش مجدد بگیریم به همین دلیل من دست بوس ایشان هستم. از طرفی این روزها برای سینما دارا مدت زمان فیلم بسیار مهم است و فیلم باید حداکثر بین ۷۰ تا ۸۰ دقیقه باشد به همین علت ما مجبور شدیم زمان فیلم را کاهش دهیم و با یک سری ممیزی‌ها نیز مواجه بودیم که از برخی عبور کردیم و برخی نیز اعمال شد.

با اینکه «پاکول» در سینمای مستقل تولید شده اما در زمینه طراحی صحنه به جز ثبات دقت فراوانی شده لطفاً در این مورد بگویید.

طراحی صحنه این فیلم را رسول عزیززاده عزیز انجام دادند و ما تقریباً ۴ ماه لوکیشن‌ها را می‌دیدیم و چک می‌کردیم. تک لوکیشن‌ها حتی اکسسورهایی که در سال ۱۴۰۰ به سختی پیدا می‌شد را خانم سعیده حمیدی مدیر تولید پروژه برای ما فراهم کرد به خصوص فیلمبرداری در برخی از لوکیشن‌ها که تاریخی و از نظر معماری مهم بودند باز حمت و پیگیری فراوان ایشان ممکن شد و رسول عزیززاده نیز با این اکسسورها توانست لوکیشن‌ها را اصیل زده برای ما زنده کند.

سخن‌یابانی

من در حد توانم سعی کردم به ذائقه و مردمک چشمان مخاطب ایرانی و افغانی احترام بگذارم و خواستم فیلمی بسازم که در شخصیت مخاطب ایرانی باشد و دوست دارم که مخاطب ایرانی و افغان از این فیلم حمایت کنند. واقعا تا کی باید محدود به سینمای کم‌دی باشیم البته فیلم کم‌دی خوب است اما کم‌دی تکرار و سخیف به در دسینمای ایران نمی‌خورد و به نظر من فیلم کم‌دی و فیلم‌های اجتماعی هر کدام جایگاه خود را دارند و باید از این گونه فیلم‌ها نیز حمایت شود.

از چگونگی آغاز این پروژه بگویید.

ما در سینمای مستقل فعالیت می‌کنیم و تصمیم گرفتیم که به شعور مخاطب احترام بگذاریم به خصوص در شرایطی که فیلم‌های دودیده گذشته یعنی ۲۰ سال پیش همچنان از نظر کیفیت فیلمنامه، دکوپاژ، ساخت و تولید خیلی فراتر و با کیفیت‌تر از فیلم‌های امروز هستند. با توجه به اینکه در چند سال اخیر اکثر فیلم‌هایی که ساخته شده‌اند نمایشی خاکستری و سیاه دارد یعنی بیشتر راجع به طلاق، اعتیاد، آزاد کودکان و موضوعاتی از این دست است ما تصمیم گرفتیم در یک ژانر هنری و درام کار کنیم و یک فیلم عاشقانه بسازیم چرا که چندین سال است که مردم در سینما فیلم‌های عاشقانه ندیده‌اند. پاکول یک درام عاشقانه و نام یک کلاه افغانی است متأسفانه این روزها کدورتی میان افغان‌ها و ایرانیان شکل گرفته اما ما به عنوان هنرمندان کاری به این بعد سیاسی نداریم و کارمان ساخت هنر است و فکر می‌کنم هنر برای تمام انسان‌هاست و نباید تقسیم بندی‌هایی مثل فیلم ایرانی و فیلم افغانی داشته باشیم بنابراین امیدوارم مردم از این فیلم استقبال و از سینمای مستقل حمایت کنند و لذت ببرند.

گفت‌وگوی صبا با عوامل فیلم سینمایی «پاکول»

رنجی که ایرانی و افغان نمی‌شناسد

مریم عظیمی گفت‌وگو

در روزهای گذشته آئین رونمایی و اکران فیلم سینمایی «پاکول» به نويسندگی وحید اسماعیلی، کارگردانی نوید اسماعیلی و تهیه‌کنندگی غلامرضا آزادی در مجتمع سینمایی مگامال انجام و اکران این فیلم به طور همزمان در تهران و شهرستان‌ها آغاز شده است. در این فیلم که روایتگر رنج انسان‌ها و گره خوردن تقدیر آنها به یکدیگر است بازیگران نام‌آشنایی مانند نادر فلاح، علیرضا مهران، افسانه بایگان، صحر اسداللهی، رضا اخلاقی را و... به ایفای نقش پرداخته‌اند. در ادامه گپ و گفت خبرنگار صبا با عوامل این فیلم را می‌خوانید.

وحید اسماعیلی، نویسنده:

مخاطب تا انتها پاکول را می‌بیند

می‌کند که می‌تواند آن گذشته را تغییر دهد در صورتی که زورش به طبیعت نمی‌رسد.

به نوعی یک تقدیرگرایی در فیلم هست؟

بله، دقیقاً! بسیاری از آدم‌ها می‌خواهند که گذشته خود را تغییر دهند و به دنبال فرصتی در این راستا هستند اما آنچه که طبیعت و خدا می‌خواهد به گونه‌ای نیست که یک نفر بتواند خیلی راحت تغییرش دهد.

باز خوردی که تا این لحظه از مخاطب در یافت کرده‌اید چگونه بوده؟

از همان زمان که فیلمنامه اثر تکمیل میشد ما به بازخورد مخاطبان هم فکر کرده بودیم و می‌دانستیم که اوایل و تا دقیقه ۲۰ فیلم ممکن است کمی حوصله مخاطب سر برود و حس کند اتفاق خاصی در فیلم رقم نخورده اما ما تعداداً چنین پرداختی روی فیلمنامه داشتیم تا مخاطب بتواند با کاراکتر امیر هم‌زاد پنداری کند چون امیر شخصیت افسرده‌ای است و مسائلی با پدرش دارد و از طرفی در تولید فیلم، جشنواره‌های خارجی و داخلی را نیز در نظر گرفتیم و به گونه‌ای نوشته شد که مخاطب ایرانی نیز بتواند با آن بعد سفری اثر ارتباط برقرار کند و فیلم صحنه‌های هیجانی داشته باشد تا بیننده ایرانی حوصله‌اش سر نرود. متأسفانه سینمای اجتماعی به گونه‌ای شده که مخاطب ایرانی سی دقیقه دوام نمی‌آورد و از سینما بیرون می‌زند اما خدا را شکر مخاطب تا انتهای فیلم پاکول نشست می‌نشاند و نگاه می‌کند.

می‌خواهد شخصیت خودش را کامل کند.

بنابراین با یک پایان باز روبرو هستیم!

در زمان تولید یک سری تغییرات روی فیلمنامه انجام شد و ماه نزدیک به ۸ بار این فیلمنامه را بازنویسی کردیم. در ابتدا فیلم یک پایان مشخص داشت و در زمان تولید کارگردان تصمیم گرفت که فیلم یک پایان باز برای شخصیت امیر داشته باشد و ما نیز بر اساس تصمیم کارگردان این اقدام را انجام دادیم.

بر خلاف اینکه اطلاعات زیادی در مورد بعد تاریکی امیر داده نمی‌شود روی کاراکترهای موازی مثل اشکان که حتی نقش‌های کوچکی دارند پرداخت پررنگ‌تری انجام شده است!

در واقع اشکان گذشته‌ای با پسند داشته که ما به این گذشته در دیالوگ‌هایی که بین اشکان و امیر رد و بدل شده می‌پردازیم متأسفانه خیلی از صحنه‌هایی که ما در فیلمنامه داشتیم و می‌توانست شخصیت‌ها را کامل کند در زمان تولید بخاطر شرایط گرفته نشد و مجبور شدیم یک سری از این دست اطلاعات را از طریق دیالوگ به مخاطب برسانیم اما به نظر من پرداخت روی گذشته امیر کامل است و ما نشان می‌دهیم که او از کودکی چه ارتباطی با پسند داشته همینطور با پدر و مادرش اما در رابطه با محوریت کل فیلمنامه می‌توانم بگویم که بیشتر بعد ناتورالیستی کار برای ما مهم بود اینکه این پسر بچه در کودکی اش به یک بن‌بست رسیده و در دل تاریکی زندگی‌اش احساس

در مورد «پاکول» و قصه آن بگویید.

در «پاکول» با یک فیلم ناتورالیستی یعنی طبیعت‌گرا روبرو هستیم ولی قصه ما یک روایت عاشقانه بین یک پسر ایرانی و یک دختر افغان است که پس از گذشت سال‌ها پسر، دختر را پیدا و مسیر زندگی‌اش تغییر می‌کند. او که احساس می‌کند روزنه‌امیدی یافته و در این راه با چالش‌های مختلفی مواجه می‌شود. در واقع در پاکول با یک فیلمنامه سفری و سفر قهرمان روبرو هستیم.

با توجه به صحنه آخری که در فیلم می‌بینیم آیا سفر قهرمان فییم به پایان نمی‌رسد و به نوعی این سکانس پایانی نوید تولد یک قهرمان را می‌دهد؟

ما در صحنه‌های مختلف فیلم می‌بینیم که محل اشتغال امیر پناهگاه سگ‌های خیابانی است و شاید او حتی از ذات یک سگ نیز الگوبرداری می‌کند همینطور می‌بینیم که در پلائی به یک پیرمرد کمک می‌کند یا در دعوی خیابانی به کمک یک دستفروش می‌رود و به نوعی ذات انسانی شخصیت امیر را نشان می‌دهیم. در واقع این شخصیت صرفاً برای نجات یسنا این سفر را انتخاب نکرده و شاید بخشی از این انتخاب برای نجات دادن و روشن کردن آن بخش تاریکی زندگی خود امیر است به نوعی او

